روزنامه صبح ایران
وطن امروز
VATANEMROOZ.IR

VATAN-E-EMROOZ | VOL.18 | NO.4524 | WED.JAN.28, 2026 | ISSN:2008-2886 | ۱۱۹۱ سال و ۱۴۹ روز گذشت | چهارشنبه | ۸ بهمن ۱۴۰۴ | ۸ شعبان ۱۴۴۷ | ۲۸ ژانویه ۲۰۲۶ | سال هجدهم | شماره ۴۵۲۴ | ۸ صفحه | ۱۰ هزار تومان

گفت‌وگوی «وطن امروز» با الهه آخرتی، نویسنده کتاب «هشت هزار و چند آرزو» درباره تجربه بوسنی‌وهرزگوین پس از تجزیه بالکان

سلاحت را زمین نگذار

صفحه ۸

آغاز مأموریتی تازه برای تیم ملی ایران سلطان بلامنازع فوتسال قاره

به دنبال چهاردهمین جام

صفحه ۶

«وطن امروز» گزارش می‌دهد؛ از گزینه‌های متنوع ایران برای پاسخ به هر نوع حمله نظامی تا تردیدهای ترامپ درباره تبعات و هزینه‌های جنگ

معادله پرمجهول

صفحه ۲

«مقدمه‌ای برای باز آرایی بازدارندگی» یا جنگ؟

یادداشت

رضا رحمتی

تحولات اخیر و لفاظی‌های تند برخی مقامات آمریکا بویژه رئیس‌جمهور آن کشور، در کنار موضع‌گیری‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درباره ایران، نشان می‌دهد خاورمیانه بار دیگر در حال ورود به یک مرحله «بازآرایی بازدارندگی» است؛ مرحله‌ای که در آن، همه بازیگران بیش از آنکه به دنبال جنگ تمام‌عیار باشند، در حال تنظیم سطح تهدید، ارسال سیگنال و تعریف خطوط قرمز جدیدند. در چنین فضایی، فهم «استراتژی واقعی ترامپ» بدون درک سبک تصمیم‌گیری او، نگاهش به قدرت نظامی و کارکرد سیاست خارجی در معادلات داخلی آمریکا ممکن نیست.

■ استراتژی واقعی ترامپ: جنگ یا اهرم فشار حداکثری نمایشی؟

ترامپ در سیاست خارجی، بر خلاف بسیاری از رؤسای‌جمهور سنتی آمریکا، نه یک استراتژیست کلاسیک، بلکه یک «معامله‌گر پرریسک» است. او از تهدید نظامی، بیشتر به عنوان ابزار چانه‌زنی استفاده می‌کند تا مقدمه قطعی جنگ. در قبال ایران نیز شواهد نشان می‌دهد هدف اصلی او تغییر رفتار از طریق فشار حداکثری ترکیبی است، نه لزوماً اشغال یا جنگ گسترده. این استراتژی چند ستون اصلی دارد.

الف- بازسازی بازدارندگی آمریکا

پس از حملات نیروهای مقاومت به پایگاه‌های آمریکا در عراق و سوریه، حملات انصارالله به کشتی‌ها در دریای سرخ و افزایش جسارت بازیگران همسو با ایران، در واشنگتن این برداشت شکل گرفته که «بازدارندگی آمریکا تضعیف شده است». اعزام سامانه‌های پدافندی بیشتر به منطقه، تقویت پایگاه‌ها و لفاظی درباره حمله، در درجه اول تلاشی برای ترمیم تصویر قدرت و بازدارندگی است؛ یعنی این پیام که «هزینه حمله به نیروهای ما بالا خواهد بود».

ب- مدیریت از راه دور، نه اشغال میدانی

تجربه عراق و افغانستان هنوز برای افکار عمومی آمریکا یک زخم باز است. ترامپ همواره بر این نکته تأکید کرده که نمی‌خواهد وارد «جنگ‌های بی‌پایان» شود و از نظر شخصیتی نیز مخالف سناریوهای طولانی‌مدت است. بنابراین حتی اگر گزینه نظامی را مطرح کند، محتمل‌ترین شکل آن حملات محدود، نقطه‌ای و تنبیهی است؛ نه جنگ زمینی یا حتی تلاش برای تغییر ماهیت حکومت از طریق اشغال.

پ- پیوند سیاست خارجی با سیاست داخلی

برای ترامپ، ایران فقط یک پرونده امنیتی نیست، بلکه یک ابزار در رقابت داخلی آمریکاست. از نظر ترامپ، نمایش قاطعیت در برابر ایران برای رأی‌دهندگان محافظه‌کار نشانه قدرت است، برای لابی‌های حامی اسرائیل امتیاز سیاسی دارد و برای رقبای دموکرات، فشار روانی ایجاد می‌کند. در نتیجه، بخشی از تشدید لفاظی‌ها را باید در چارچوب نمایش قدرت برای مصرف داخلی دید.

ت- ایجاد اهرم برای مذاکره از موضع بالا

ترامپ در دوره قبل هم ابتدا از توافق هسته‌ای خارج شد، تحریم‌ها را تشدید کرد و تنش را بالا برد اما در مقاطعی آشکارا گفت آماده «توافق بهتر» است. اکنون نیز الگو مشابه است: تهدید را افزایش می‌دهد و به واسطه افزایش تهدید نگرانی از درگیری را در ایران بالا می‌برد و در نهایت از موضع بالا پیشنهاد مذاکره از موضع قدرت می‌دهد، این همان چیزی است که او از آن تحت عنوان صلح از طریق قدرت یاد می‌کند. به بیان ساده، جنگ برای او هدف نیست؛ تهدید به جنگ، ابزار معامله است.

■ چرا منطقه اینقدر حساس شده؟

گزاره‌هایی که در روزهای اخیر به وسیله مقامات منطقه‌ای از جمله مقامات ترکیه، امارات و ... از یک سو و رهبران محور مقاومت از جمله حزب‌الله عراق، انصارالله یمن و حزب‌الله لبنان از سوی دیگر به وفور منعکس شده، نشان می‌دهد اغلب بازیگران منطقه‌ای از یک سناریوی بزرگ‌تر نگرانند و آن خارج شدن تنش از کنترل و تبدیل شدن یک درگیری محدود به جنگی منطقه‌ای است. ناتو عملاً می‌گوید ایران اولویت عملیاتی ما نیست، این یعنی اروپا علاقه‌ای به کشیده شدن به جنگ ندارد. ترکیه و امارات مخالفت با استفاده از خاک‌شان برای حمله را اعلام می‌کنند که این هم نشانه ترس از تلافی ایران و در نتیجه افزایش سطح تنش است. گروه‌های همسو با ایران در عراق و لبنان هشدار می‌دهند که این نیز به معنای صدور پیام بازدارندگی نامتقارن از جانب ایران است. اینها همگی یعنی همه می‌دانند اگر آمریکا و ایران مستقیماً درگیر شوند، جغرافیای جنگ فقط ایران نخواهد بود.

■ گزینه‌های واقعی ایران برای پاسخ

ایران طی ۲ دهه گذشته استراتژی دفاعی خود را نه بر پایه برتری هوایی، بلکه بر پایه بازدارندگی نامتقارن چندلایه طراحی کرده است. در واقع ایران نزدیک ۲ دهه است خود را آماده مواجه شدن با وضعیت جنگی می‌کند. پاسخ ایران به هر اقدام احتمالی آمریکا لزوماً یک پاسخ کلاسیک و مستقیم نخواهد بود، بلکه ترکیبی، تدریجی و چندسطحی است.

اما این پاسخ‌های احتمالی کدامند؟

۱- پاسخ مستقیم اما محدود

اگر آمریکا حمله‌ای محدود و نمادین انجام دهد، ایران ممکن است پاسخ مستقیمی بدهد اما در سطحی کنترل‌شده؛ مشابه حمله موشکی به عین‌الاسد در سال ۲۰۲۰ یا حمله‌ای که به قطر و پایگاه العدید آمریکا در این کشور در پاسخ به استفاده آمریکا از موشک‌های تاماهاوک علیه تاسیسات هسته‌ای داشت. هدف چنین پاسخی حفظ اعتبار بازدارندگی، نشان دادن توان ضربه‌زنی و تلاش برای نرفتن به سمت جنگ تمام‌عیار است.

۲- فعال‌سازی بازدارندگی منطقه‌ای غیرمستقیم

مهم‌ترین اهرم ایران، شبکه بازیگران همسو در منطقه است. این به معنای «کنترل از راه دور سطح تنش» است؛ درست در مقابل کاری که آمریکایی‌ها در جنگ ۱۲ روزه و تا قبل از استفاده مستقیم از ابزارهای نظامی‌شان در کنار اسرائیل انجام دادند. بنابراین در این سطح ایران تلاش خواهد کرد فشار بر منافع آمریکا در عراق و سوریه، دریای سرخ و لبنان و مرزهای شمال سرزمین اشغالی را بیشتر کند تا بتواند هزینه هر حمله به ایران را بشدت بالا ببرد، بدون آنکه مستقیماً وارد جنگ کلاسیک شود.

۳- جبهه دریایی و انرژی

یکی از حساس‌ترین نقاط برای اقتصاد جهانی، مسیرهای انرژی است. هرگونه ناامنی در خلیج‌فارس یا دریای عمان فوراً قیمت نفت و بیمه کشتیرانی را بالا می‌برد. ایران بخوبی می‌داند اهرم اقتصاد جهانی یکی از معدود ابزارهایی است که می‌تواند بر تصمیم‌سازی در واشنگتن و اروپا اثر بگذارد. حتی افزایش تنش در سطح «ریسک ادراکی» هم کافی است تا بازارها واکنش نشان دهند. این همان چیزی است که هم‌اینک سرتیتر رسانه‌های بزرگ دنیاست.

۴- توان موشکی و پهپادی به عنوان ستون بازدارندگی

ایران طی سال‌ها سرمایه‌گذاری سنگینی روی موشک‌ها و پهپادها انجام داده تا بتواند پایگاه‌های آمریکا در منطقه و زیرساخت‌های حیاتی دشمنان را در برد خود داشته باشد. نکته مهم این است که وجود این توان، بیش از استفاده گسترده از آن، نقش بازدارنده دارد. ایران معمولاً سعی می‌کند استفاده از این ابزار را در سطحی انجام دهد که پیام بدهد اما جنگ را غیرقابل کنترل نکند.

۵- جنگ سایبری و خاکستری

یک بخش مهم پاسخ ایران می‌تواند در حوزه‌هایی باشد که براحتی قابل انتساب نیستند؛ اختلال سایبری، فشارهای اطلاعاتی و عملیات در «منطقه خاکستری» که زیر آستانه جنگ رسمی قرار دارند. این فضا با توجه به دستاوردهایی که در جنگ ۱۲ روزه به دست آمده، جذاب است، چون هزینه سیاسی کمتری دارد، کنترل‌پذیرتر است و امکان انکارپذیری فراهم می‌کند. با وجود همه تهدیدها چند عامل مهم مانع جنگ تمام‌عیار است:

هزینه غیرقابل پیش‌بینی برای آمریکا: حمله به ایران شبیه حمله به یک کشور کوچک منزوی نیست؛ پایگاه‌های آمریکا، متحدان منطقه‌ای و بازار انرژی همگی در معرض واکنش قرار می‌گیرند و علت تردیدهای بسیار آمریکا نیز همین است.

ترس کشورهای منطقه از تبدیل شدن به میدان جنگ: مواضع امارات، ترکیه و حتی احتیاط اروپا نشان می‌دهد بسیاری از بازیگران نمی‌خواهند به این درگیری کشیده شوند.

ترجیح ترامپ به «پیروزی بدون جنگ طولانی»: او بیشتر به دنبال نمایش قدرت و توافق از موضع بالاست تا مدیریت یک جنگ فرسایشی.

منطق بازدارندگی متقابل: ۲ طرف می‌دانند شروع جنگ آسان‌تر از پایان دادن به آن است.

آنچه اکنون در حال شکل‌گیری است، بیش از آنکه مقدمه یک جنگ حتمی باشد، شبیه یک بازی خطرناک تنظیم بازدارندگی است. ترامپ با تشدید تهدید، استقرار نظامی و لفاظی، در پی ساختن اهرم فشار حداکثری برای وادار کردن ایران به عقب‌نشینی یا مذاکره از موضع ضعف است. در مقابل، ایران تلاش می‌کند نشان دهد هر حمله‌ای، هزینه‌ای فراتر از تصور طراحانش خواهد داشت؛ نه فقط در داخل ایران، بلکه در سراسر منطقه. در این معادله، نه واشنگتن به دنبال جنگی کنترل‌ناپذیر است و نه تهران علاقه‌ای به درگیری ویرانگر مستقیم دارد اما مشکل این است که وقتی بازدارندگی بر پایه تهدید مداوم و عملیات لب مرزی بنا شود، خطای محاسباتی می‌تواند جای استراتژی را بگیرد. خاورمیانه اکنون در وضعیتی قرار دارد که صلح در آن نه از مسیر اعتماد، بلکه از مسیر ترس متقابل حفظ می‌شود و این نوع صلح، همیشه شکننده است.

تیترهای امروز

گفت‌وگوی «وطن امروز» با والدین شهید آرمین عباسی که شامگاه ۱۹ دی ماه توسط تروریست‌ها در سعادت‌آباد به شهادت رسید

آرمان آرمین

■ تروریست‌ها با پرتاب دریچه آهنی سنگین از پشت بام یک برج ۲۰ طبقه بر سر استوار آرمین عباسی، وی را به شهادت رساندند

صفحه ۴

بررسی جنایت خونبار اغتشاشگران علیه مأموران غیرمسلح در ملارد

آغاز محاکمه

صفحه ۴

قتل یک فرد بازداشت‌شده باعث برپایی تجمعات گسترده در پاریس شد

پلیس فرانسه مثل پلیس آمریکا

صفحه ۷

گزارش «وطن امروز» درباره نبود نظارت و رهاشدگی قیمت‌ها

ویژه

از کالابرگ تا بازار

صفحه ۳

چراغ سبز دولت به اصلاح قیمت گندم

نگاه

سعید ترکاشوند

اعلام اخیر آقای پزشکیان درباره اصلاح قیمت خرید تضمینی گندم، بار دیگر یکی از بنیادی‌ترین و در عین حال حساس‌ترین مسائل اقتصاد سیاسی ایران را به مرکز توجه افکار عمومی بازگرداند. گندم در ایران صرفاً یک محصول کشاورزی نیست که بتوان درباره آن با منطق ساده عرضه و تقاضا تصمیم‌گیری کرد، بلکه کالایی استراتژیک است که به طور مستقیم با امنیت غذایی، ثبات اجتماعی و احساس عدالت اقتصادی در جامعه گره خورده است. به همین دلیل، هر تصمیمی درباره قیمت گندم، بویژه در شرایطی که اقتصاد کشور با تورم مزمن، کاهش مستمر قدرت خرید و فرسایش اعتماد عمومی مواجه است، واجد پیامدهایی فراتر از یک اصلاح قیمت ساده است.

مدافعان افزایش قیمت خرید تضمینی گندم معمولاً استدلال خود را بر این پایه بنا می‌کنند که هزینه‌های تولید کشاورزان بشدت افزایش یافته و در صورت عدم اصلاح قیمت، تولید گندم صرفه اقتصادی خود را از دست می‌دهد. در چنین وضعیتی، کاهش تولید داخلی و وابستگی به واردات، کشور را در معرض تهدیدهای جدی امنیت غذایی قرار می‌دهد. این استدلال در سطح نظری قابل درک است و نمی‌توان منکر فشارهایی شد که بر کشاورزان بویژه در سال‌های اخیر وارد شده است. افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی، هزینه آب و انرژی، فرسودگی ماشین‌آلات و بی‌ثباتی سیاست‌های حمایتی، کشاورزی را به فعالیتی پرریسک و کم‌بازده تبدیل کرده است. با این حال، مساله اصلی در نقد این تصمیم نه اصل حمایت از کشاورز، بلکه شیوه تحقق این حمایت و توزیع نهایی هزینه‌های آن در جامعه است.

در اقتصاد ایران، تجربه نشان داده ساده‌ترین و در دسترس‌ترین ابزار سیاست‌گذار برای حل مشکلات ساختاری، افزایش قیمت‌هاست. این الگو بارها در حوزه‌های مختلف تکرار شده؛ از انرژی گرفته تا ارز کالاهای اساسی. در هر بار، منطق تصمیم بر «ضرورت اصلاح» استوار بوده اما پیامد عملی آن، انتقال مستقیم یا غیرمستقیم هزینه‌ها به مصرف‌کننده نهایی بوده است. درباره گندم و نان، این انتقال هزینه، حساس‌تر و پرهزینه‌تر است، چرا که نان همچنان سهمی قابل توجه در سبد مصرفی دهک‌های پایین دارد و کوچک‌ترین تغییر قیمت در این حوزه، اثرات اجتماعی گسترده‌ای به دنبال دارد.

حتی اگر دولت اعلام کند افزایش قیمت خرید گندم الزاماً به افزایش قیمت نان منجر نخواهد شد، تجربه زیسته جامعه چیز دیگری را روایت می‌کند.

ادامه در صفحه ۲